

**پروژه سدسازی ترکیه؛ تهدیدات
امنیتی برای غرب آسیا و
جمهوری اسلامی ایران
(پروژه گاپ)**



اداره کل پدافند غیرعامل استان قم

بهار ۱۴۰۱

ترکیه با آگاهی نسبت به تحولات آتی منابع آب و درگیری های سیاسی احتمالی بر سر آن، از سال ۱۹۷۰ اقدام به اجرای پروژه عظیم سدسازی کرده اسرت که بر اساس برآوردها، پنجمین طرح بزرگ سدسازی جهان به شمار می آید. اجرای این پروژه تاثیرات سوء بر اکوسیستم کشورهای همسایه ترکیه از جمله جمهوری اسلامی ایران، عراق و سوریه دارد و بدون در نظر گرفتن حق آبی دیگر کشورها و کنوانسیونهای بین المللی انجام شده است. به همین دلیل مقاله حاضر، در پی پاسخگویی به این پرسش اسرت که پروژه سدسازی ترکیه موسوم به گاپ میتواند چه تهدیداتی برای منطقه و جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟.

پروژه سدسازی گاپ

پروژه گاپ در ترکیه از اوایل دهه ۱۹۷۰ با هدف ارتقاء توسعه در ۹ استان کردنشین این کشور شامل؛ «آدیامان»، «باتمان»، «دیاربکر»، «غازی عینتاپ»، «کیلیس»، «سیرت»، «شانلی اورفه»، «ماردین» و «شرناق» آغاز شد. این پروژه شامل احداث ۲۲ سد و نوزده نیروگاه برق آبی بر روی رودخانه های دجله و فرات و انشعابات آن می شود. در پایان سال ۲۰۱۹ دولت ترکیه که ۳۲ میلیارد دلار در پروژه گاپ سرمایه گذاری کرده است. ترکیه توانست از هشت سد بر روی دجله و چهارده سد بر روی فرات بهره برداری کند.

پروژه سدسازی گاپ راهی جدید برای نوعثمانی گری ترکیه

نوعثمانی گری جریانی فکری است که در نتیجه ارتقاء سطح سواد طبقه بورژوازی اسلامیدر اواخر قرن بیست شکل گرفت و در سال های اخیر به یکی از ویژگی های سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده است. سه دهه پیش که ترکیه، شمال قبرس را اشغال کرد، تحلیل گران یونانی از این عمل با عنوان «نوعثمانی گری در سیاست خارجی دولت ترکیه» یاد کردند. این اصطلاح یک بار دیگر در دوران تورگوت اوزال» در سخنرانی رئیس جمهوری ترکیه استفاده شد. با پیروزی حزب عدالت توسعه و روی کار آمدن «رجب اردوغان» در ترکیه، تغییرات جدی در رفتار خارجی این کشور در قبال مسائل پیرامونی و بین المللی شکل گرفت که حاکی از استیلا رویکرد نوعثمانی گری در سیاست خارجی این کشور است. ترکیه در حال تبدیل شدن به پنجمین اقتصاد بزرگ اروپا و هفدهمین اقتصاد بزرگ در جهان شده و با انتخاب نوعثمانی گری تلاش دارد به بازیگری مستقل مبدل شود.

بنابراین با توجه به پیش بینی ها در خصوص آینده شرایط اقلیمی در غرب آسیا و سرمایه گذاری عظیم ترکیه در پروژه سدسازی گاپ، دور از انتظار نیست که آنکارا مبتنی بر رویکرد نوعثمانی گری به دنبال قبضه کلید جریان آب، در آینده بی آب غرب آسیا باشد

تا اهداف توسعه طلبانه منطقه ای خود را دنبال کند. برای مثال در سال ۱۹۹۲ نخست وزیر وقت ترکیه «سلیمان دمیرل» گفت: «تا زمانی که کشورهای عراق و سوریه با «پ ک ک» همکاری می کنند بر سر میز مذاکره درباره آب نخواهد نشست» بدین ترتیب، ترکیه به دنبال استفاده از این منبع حیاتی به عنوان ابزاری است تا بتواند با تغییر نقشه هیدروپلیتیک این مناطق بر شرایط ژئواستراتژیک مناطق مزبور تأثیر گذارده و با مطرح کردن خود در منطقه به عنوان یک هیدروهمژمون، در جستجوی برپا نمودن مجدد پایه های امپراطوری عثمانی باشد. در گزارش وزارت امور خارجه ترکیه در خصوص منابع آبی این گونه بیان شده که سیاست منابع آبی ترکیه در راستای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، امنیت آبی و مواد غذایی است و بدین ترتیب براساس روند مذاکرات با اتحادیه اروپا و تحولات منطقه صورت می گیرد. مسئله حایز اهمیت دیگر این مسئله است که تولید انرژی برق از منابع آبی پروژه گاپ، نیاز ترکیه به خرید نفت را به شکل فراوانی کاهش میدهد و حدود ۴۰ درصد انرژی جایگزین سوخت فسیلی را تأمین می کند. در نتیجه وابستگی این کشور به همسایگان خود برای تأمین انرژی کاسته می شود و جایگاه آن در سیاست خارجی منطقه ای تقویت می شود.

تهدیدات امنیتی پروژه گاپ برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه غرب آسیا

شواهد بسیاری حاکی از آن است که بحران آب در ایران و منطقه غرب آسیا در سالهای آتی به تهدید جدی امنیتی و تمدنی مبدل خواهد شد تا جایی که نظم سیاسی موجود در منطقه را دگرگون کند، منازعات قومی و جنگ های داخلی را تشدید نماید و کشورهای عراق، سوریه، ایران و ترکیه را درگیر مناقشات منطقه ای کند. در دو دهه اخیر، استان های غربی و جنوب غربی ایران با بحران افزایش دما و پدیده ریزگردها مواجه شده اند که روز به روز تشدید می شود تا جایی که در سال های اخیر به بحرانی زیست محیطی در کشور تبدیل شده است. بر اساس برآوردها، با بهره برداری کامل از پروژه گاپ، منابع آبی که از ترکیه وارد سوریه ترتیب، نه تنها در کشور یادشده با مشکل جدی مواجه می شوند، بلکه ایران نیز به دلیل خشکی بیش از حد دشتهای سوریه و دشت های مرکزی عراق و چند برابر شدن سرچشمه های ریزگردها، با افزایش بی سابقه دما و بحران ریزگردها مواجه خواهد شد.

ترکیه آگاهانه از پیوستن به کنوانسیون های بین المللی در خصوص استفاده مشترک از آبراهه های بین المللی مانند کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک» سر باز زده است. این مسئله زمینه را برای اقدام یک جانبه دولت ترکیه در بهره برداری از منابع آبی دجله و فرات فراهم کرده است .

در سطح منطقه ای، حدود ۸۵ درصد آب شیرین عراق از این دو رود تأمین می شود. البته وضعیت داخلی عراق تأثیر جدی بر روند اجرای پروژه گاپ داشته است؛ چرا که فرآیند تکمیل سدها و نیروگاه های ترکیه پس از اشغال عراق توسط آمریکا، سرعت بیشتری یافت. بروز جنگ داخلی ناشی از تسلط داعش بر مناطق شمال غربی عراق نیز سبب کم توجهی بیشتر دولت عراق به این مسأله و سوءاستفاده روزافزون دولت ترکیه شده است با توجه به کاهش حجم آب رودخانه علاوه بر ضربه به کشاورزی این کشور، بخش عظیمی از نیازمندی آب شرب جامعه عراق آسیب دیده است .

از منظر بهداشتی کاهش حجم آب رودخانه، آلودگی های آبی را افزایش داده و باعث تکثیر بیش از پیش بیماریهای واگیردار مانند حصه می شود. نکته ای که با در نظر گرفتن احتمال جاری شدن فاضلاب کشاورزی و یا موارد دیگر ناشی از توسعه صنعتی جنوب شرقی ترکیه به آب جاری در عراق، می بایست بیش از پیش نسبت به آن هشیار بود تأثیر منفی پروژه گاپ بر امنیت غذایی عراق است. از منظر سیاسی نیز این پروژه تنش های داخلی میان بغداد و اربیل را تشدید می کند؛ زیرا اقلیم کردستان به واسطه مجاورت جغرافیایی با مرزهای ترکیه، فارغ از اراده دولت مرکزی اقداماتی برای مهار آب باقی مانده و جاری شده در خاک عراق انجام دهد که با توجه به فقدان انسجام ساخت سیاسی در بغداد، به تنش خواهد انجامید.

آب گیری بیش از حد معمول در سد آتاتورک توسط ترکیه در کنار نداشتن کفایت لازم از سوی دولت سوریه جهت مدیریت منابع آب زیرزمینی و سطحی، سبب خشکسالی در سال های پس از ۲۰۰۶ شد که تبعات امنیتی جدی بر وضعیت سوریه گذاشته است. طی این خشکسالی در شمال شرقی سوریه، حدود ۸۵ درصد احشام تلف شده و ۷۵ درصد کشاورزان محصولاتشان را از دست دادند و در نتیجه تا سال ۲۰۱۰ نزدیک به یک میلیون نفر از وطن خویش مهاجرت کردند. مسأله ای که موجب گرانی ۳۰ درصد مواد غذایی شد و دولت سوریه را وادار به هزینه کرد گزافی در حوزه واردات گندم ساخت (بدیعی، ۱۳۹۴: ۱). این مسأله از منظر بسیاری جرقه جنگ داخلی سوریه را رقم زده است. تکمیل سدهای طراحی شده بر فرات و افزایش هژمونی آن در حوزه منابع طبیعی، توان چانه زنی دولت ترکیه در مذاکرات مرتبط با تعیین آینده سیاسی سوریه را نیز تقویت کرده است. مسأله ای که می تواند در راستای استقرار نیروهای نزدیک به ترکیه در مناطق شمالی سوریه و ایجاد کمربندی جهت مقابله با نفوذ گروه های کردی مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین اختلافات آبی میان عراق و سوریه بر سر چگونگی سهمیه بندی آب ورودی فرات میان این دو کشور نیز تشدید خواهد شد به ویژه که عراق سهمی از سرچشمه های این رودخانه ندارد .

جالب آنکه با تکمیل پروژه گاپ، ترکیه آبی را که از منظر طبیعی جزئی از حقوق دولتهای عراق و سوریه به شمار می رود به آنها می فروشد تا به این ترتیب بخشی از هزینه های بالای این طرح را به طور تدریجی جبران نماید

ترکیه بر خلاف توافق ۱۹۸۷ با سوریه، مقدار بیشتری از آب فرات را برداشت کرده و بایستی حق آبه قانونی سوریه را رها سازد تا کشاورزی منطقه آسیب نبیند. چون ترکیه توافق قبلی را نقض کرده، سوریه حق اعتراض دارد. عراق به دلیل درگیری های داخلی، فرصت کافی برای مدیریت آب های داخلی یا مشترک مثل دجله را نداشته و در برخی سالها با سیلابهای ویرانگر و در سال های دیگر با خشک سالی مواجه بوده است. دولت آنکارا می تواند با مهار آب دجله، مقدار ثابتی آب را رها سازد، ولی باید توافقی در این زمینه صورت گیرد تا وضعیتی که برای سوریه پیش آمده، برای عراق تکرار نشود.

نتیجه گیری

پروژه سدهای گاپ از حدود سی سال پیش در جنوب شرقی ترکیه، با احداث ۲۲ سد بر روی رودخانه های دجله و فرات آغاز شده است. این پروژه حق آبه سایر کشورهای غرب آسیا از دجله و فرات را نادیده گرفته و با تقلیل محسوس منابع آبی کشورهای عراق و سوریه منجر به تغییر اکوسیستم این دو کشور و بحران بی آبی و خشک شدن تالاب های مرکزی در این کشورها شده است.

این پروژه ضمن تشدید بحران آب، افزایش دما و ریزگردها را در استانهای غربی و جنوب غربی ایران در پی داشته و با نزدیک شدن به زمان بهره برداری ترکیه از سدها، وضعیت بحرانی تری را ایجاد کرده است. این بحران به رغم ماهیت زیست محیطی به سرعت به بحران سیاسی امنیتی در استان های مرزی ایران تبدیل شده.

آثار سوء داخلی و منطقه ای این پروژه باعث واکنش دولتهای همسایه، نهادهای مدنی ترکیه و سازمانهای بین المللی شده و در مقاطعی مانع ادامه همکاری شرکت های اروپایی و آمریکایی با این پروژه گردیده، اما در این میان رژیم صهیونیستی با اهداف داخلی و منطقه ای همواره از اقدام دولت ترکیه در این زمینه حمایت کرده است. به نظر می رسد دولت ترکیه برای پیشبرد مقاصد سیاسی منطقه ای خود در صدد استفاده از منابع آبی ذخیره شده در پشت سدهای گاپ است. در همین زمینه احتمال پیش گرفتن راهبرد «آب در برابر نفت»، بسیار زیاد است.

این راهبرد ضمن تأمین نیازهای انرژی ترکیه، دولت های نفت خیز منطقه را در حیاتی ترین نیازهایش به ترکیه وابسته می کند و زمینه را برای احیای سلطه منطقه ای دولت ترکیه فراهم می سازد. در نتیجه منطبق با نظریه امنیت منطقه ای مکتب کپنهاگ و

آنچه به عنوان گفتمان نعثمانی گری در سیاست خارجی ترکیه شناخته می شود، می توان پیش بینی کرد که با توجه به شرایط اقلیمی پیش روی غرب آسیا، در آینده نزدیک شریان جریان آب در دست ترکیه قرار خواهد گرفت و در آینده بی آب منطقه، نقش آفرینی این کشور در حوزه امنیت زیست محیطی از هر زمانی برجسته تر شود .

در این مقاله سعی شد با کاربست مکتب کپنهاگ، که بر امنیت موسع در برابر امنیت مضیق و نگاه چند بعدی به مقوله امنیت تأکید دارد، پیامدهای پروژه گاپ بررسی و تحلیل شود. در انتها پیشنهاد می شود جمهوری اسلامی ایران با همکاری نهادهای دیپلماتیک عراق و سوریه، سیاست هماهنگی را علیه اقدامات دولت ترکیه در حوزه آبی دجله و فرات اتخاذ نماید. همچنین از ظرفیت حقوق بین الملل و به ویژه کنوانسیون آبراهه های بین المللی ۱۹۹۷ نیویورک برای ملزم کردن ترکیه به رعایت حقوق آبی همسایگان خود از جمله جمهوری اسلامی ایران استفاده شود.

منبع: فصلنامه علمی پژوهشی روابط خارجی – دوره ۱۲ – شماره ۴۵

اداره کل پدافند غیرعامل استان قم

